Shahid Chamran University of Ahvaz

Stylistics and the Study of Literary Genres

DOI: https://doi.org/10.22055/jrp.2022.39583.1062

Online ISSN:2676-5772

Modeling of Rostamnameh After Ferdowsi's Shahnameh with the Focus on Form (Case Study of the Story of Rostam and Esfandiar)

Niloofar Sadat Abdollahi[1]

Abstract

The epic folk poems that have reached us today have been created mainly by following the example of Ferdowsi's Shahnameh and in the period after the composition of this work. These poems generally have a content centered on Rostam's personality, so they are called Rostamnameh. Rostamnameh were written with the motive of completing Rostam's character from a religious point of view and giving him a religious image. Rostam's character in the national epic of Iran does not have much religious color, except in the story of Rostam and Esfandiar, where the dispute is sometimes related to religious issues, and the dispute could be regarding nationality and religion. In the poem Rostamnameh, we encounter a character of Rostam who, for the first time in his struggles, encounters a religious matter and moves forward for a religious struggle. The creator of this work, like other popular epics after Ferdowsi's Shahnameh, followed the example of the national epic and composed it at a lower level. In this article, we decided to examine the modeling of one of the examples of Rostamnameh according to the thematic similarity with one of the stories in Shahnameh from the perspective of form.

Keywords: Rostamnameh, Ferdowsi`s Shahnameh, Formal patterning, innovation, rhetoric.

1. PHD graduated and lecturer at Tehran university. e-mail: Niloofar_farhan@yahoo.com

How to cite this article:
Abdollahi, Niloofar Sadat. (2026).Modeling of Rostamnameh after Ferdowsi's Shahnameh with the focus on form (Case study of the story of Rostam and Esfandiar). *Stylistics and the Study of Literary Genres*, 7(2), 115-125. https://doi.org/10.22055/jrp.2022.39583.1062

Stylistics and the Study of Literary Genres, *Vol 7, No. 2, Fall 2025 & Winter 2026*

Received: 15 April 2022 | Accepted: 3 May 2023

دوفصل‌نامه‌ی
سبک‌پژوهی و مطالعات گونه‌های ادبی

DOI: https://doi.org/10.22055/jrp.2022.39583.1062

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۵۷۷۲

نشریهٔ علمی سبک‌پژوهی و مطالعات گونه‌های ادبی، شمارهٔ ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص ۱۱۵-۱۲۵
مقالهٔ پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

الگوبرداری منظومهٔ رستم‌نامه از شاهنامهٔ فردوسی با محوریت فرم (مطالعهٔ موردی: داستان رستم و اسفندیار)

نیلوفرسادات عبدالهی[۱]

چکیده

منظومه‌های عامیانهٔ حماسی که امروزه به دست ما رسیده‌اند، عمدتاً با الگوبرداری از شاهنامهٔ فردوسی و در دوران پس از سرایش این اثر آفریده شده‌اند. این منظومه‌ها عموماً محتوایی با محوریت شخصیت رستم دارند؛ ازاین‌روی رستم‌نامه نام گرفته‌اند. رستم‌نامه‌ها با انگیزهٔ تکمیل شخصیت رستم از دیدگاه مذهبی و بخشیدن وجههٔ دینی به او سروده شده‌اند. شخصیت رستم در حماسهٔ ملی ایران رنگ مذهبی چندانی ندارد؛ مگر در داستان رستم و اسفندیار که جدال گاهی به مسائل مذهبی مرتبط می‌شود و جدالی با مطرح شدن ملیت و مذهب تواند بود. در منظومهٔ رستم‌نامه با شخصیتی از رستم مواجه هستیم که برای نخستین بار در مبارزات با مقولهٔ دین روبه‌رو می‌شود و برای مبارزهٔ دینی پیش می‌رود. آفرینندهٔ این اثر همچون سایر حماسه‌های عامیانهٔ پس از شاهنامهٔ فردوسی، از حماسهٔ ملی الگو برداشته و البته در سطحی نازل‌تر به سرایش پرداخته است. در این مقاله بر آن شدیم که الگوبرداری یک نمونه از رستم‌نامه‌ها را با توجّه به شباهت مضمونی با یکی از داستان‌های شاهنامه از دیدگاه فرم بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: رستم‌نامه، شاهنامهٔ فردوسی، الگوبرداری صوری، نوآوری، بلاغت.

۱. دانش‌آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران – مدرّس دانشگاه تهران

رایانامه: Niloofar_farhan@yahoo.com

ارجاع به این مقاله:

عبدالهی، نیلوفرسادات. (۱۴۰۴). الگو برداری منظومهٔ رستم‌نامه از شاهنامهٔ فردوسی با محوریت فرم (مطالعهٔ موردی داستان رستم و اسفندیار). دوفصل‌نامهٔ سبک‌پژوهی و مطالعات گونه‌های ادبی، ۷(۲)، ۱۱۵-۱۲۵.

https://doi.org/10.22055/jrp.2022.39583.1062

مقدّمه

جذاب بودن شاهنامهٔ فردوسی برای مردم ایران موجب شده تا هر یک به اقتضای علائق و دانسته‌های خویش و با آفرینش جلوه‌های متنوّع، سعی در ماندگاری این اثر داشته باشند. آفرینش حماسه‌های عامیانه نمونه‌ای از حضور نامحسوس و غیرمستقیم شاهنامه در میان مردم ایران است. آفرینندگان منظومه‌های حماسی عامیانه از دو مورد الگو و تأثیر گرفته‌اند: نخست از اندیشه‌های عامیانه و سپس از الگوهای سرایش فردوسی در شاهنامه. هر قدر سرایندگان آگاهی ادبی بیشتری داشته‌اند، تأثیرپذیری ایشان از شاهنامه بیشتر بوده است. در مقابل، تأثیرپذیری این سرایندگان از فرهنگ‌عامه نمایانگر آگاهی کمتر ایشان از حماسه‌های رسمی است. به‌طورمعمول شاهنامه، مهم‌ترین الگوی حماسه‌های عامیانه است و ساختار داستانی و اوصاف در آن تأثیر فراوانی بر چنین آثار مردمی می‌گذارد. هرچند حماسه‌های عامیانه الگوبرداری نازل‌تری –نسبت به آثار ادبیات رسمی– از شاهنامه هستند، به‌عنوان مهم‌ترین اثر حماسی از حماسهٔ ملی بهره برده‌اند. این نمونه‌های حماسهٔ عامیانه بیشتر از دیدگاه مسائل بلاغی و زیبایی‌شناسی موردتوجه بوده‌اند؛ زیرا در نگاه نخست ماجرای آن‌ها، که رنگی مذهبی دارد، با شاهنامه متفاوت به نظر می‌رسد. شاهنامه محتوای ملی دارد و به‌طور ویژه به رستم به‌عنوان پهلوانی ملی می‌پردازد؛ حال آن‌که رستم‌نامه‌ها به‌عنوان نمونه‌ای از حماسه‌های عامیانه، به مسألهٔ اسلام آوردن رستم و یک مقولهٔ مذهبی می‌پردازند. نکته‌ای که در پژوهش‌ها چندان به آن توجّه نشده است، تشابه یکی از داستان‌های زندگانی رستم با رستم‌نامه است.

با بررسی و دقّت در شاهنامه می‌توان تشخیص داد که داستان رستم و اسفندیار بخشی از زندگی رستم است که جنگ و جدال در آن در کنار مسائل ملی، وجهه‌ای مذهبی می‌یابد و اسفندیار به‌عنوان پهلوان دین زرتشتی در مقابل رستم، که پهلوانی ملی است، قرار می‌گیرد (علاوه بر این برخی پژوهشگران رستم را یکی از پیروان آئین مهرپرستی می‌شمرند؛ هرچند این نکته جای تشکیک دارد). ازاین‌روی در تشخیص سبک رستم‌نامه و شیوهٔ تقلید سرایندهٔ آن از شاهنامه، شباهت داستانیِ رستم و اسفندیار با این اثر می‌تواند موجب دستیابی به نتایجی دقیق‌تر در تحقیق شود.

پیشینهٔ پژوهش

بررسی رستم‌نامه‌های منظوم به‌عنوان موضوع مقالات و تک‌نگاری‌ها، کمابیش مورد توجّه بوده است. این پژوهش‌ها به مسألهٔ تغییر شخصیت رستم از ادبیات رسمی و در رأس آن شاهنامه، به ادبیات عامه در مصادیقی همچون رستم‌نامه‌ها و طومارهای نقالی پرداخته‌اند. نمونهٔ قدیم این تحقیقات آثار انجوی شیرازی (۱۳۵۴ و ۱۳۵۵) است که

در آن‌ها به وجههٔ رستم در ادبیات عامه و نگرش مردم نسبت به فردوسی، شاهنامه و شخصیت‌های آن پرداخته است. پژوهش‌های دیگر این حوزه بیشتر بر دلایل تاریخی گرایش به بیان دین و آیین رستم متمرکز شده‌اند. ذکاوتی قراگوزلو در دو مقاله به موضوع اسلام آوردن رستم و منظومه‌های سروده شده در این باب پرداخته است: «داستانی عامیانه با رنگ مذهبی» (قراگوزلو: ۱۳۹۰ الف) «رستم‌نامه به انضمام معجزنامهٔ مولای متقیان» (قراگزلو: ۱۳۹۰ ب). مقالهٔ دیگر «مسلمان شدن رستم در داستان‌های عامیانهٔ ایرانی» (سرودی:۱۳۹۵) است. نگارندهٔ این مقاله از ماجراهایی که در ادب عامه اشاره به اسلام آوردن رستم دارد، یاد کرده است. در قالب یک اثر تصحیحی مهم باید از رستم نامه، داستان منظوم مسلمان شدن رستم به دست امام علی (ع) به انضمام معجزنامهٔ مولای متّقیان به کوشش سجاد آیدنلو یاد کرد. این اثر که از سراینده‌ای ناشناس است، براساس نسخهٔ موجود در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران تصحیح شده است. رستم نامه شامل دو بخش است که بخش نخست آن مربوط به اسلام آوردن رستم و بخش دوم ماجرایی اعجازگونه منسوب به امام علی (ع) است. این اثر مقدمه‌ای مشبع نیز دربارهٔ مسائل پیش‌گفتهٔ مرتبط با نگاه مردم عامه به رستم دارد. لازم به ذکر است بخش نخستین این تصحیح مورداستفادهٔ مقالهٔ حاضر بوده است.

در تحقیقات ادبیات عامه در حوزهٔ شناخت رستم، کمتر به مسألهٔ زیبایی‌شناسی، کیفیت بلاغی نقل این روایات و الهام گرفتن سرایندگان و آفرینندگان این منظومه‌ها از عوامل مختلف پرداخته شده است. دلیل پرداخت کمتر به مسائل زیبایی‌شناسانهٔ ادب عامه و به‌عنوان مصداق رستم‌نامه، سواد و دانش ادبی کمتر آفرینندگان این آثار در قیاس با سرایندگان اشعار ادبیات رسمی است. این نکته موجب می‌شود اثر مردمی، تصاویر و خیال‌انگیزی چندانی در قیاس با آثار ادبا نداشته باشد. درمقابل، در همان تقلیدهای ناشیانه از ادیبان و استفاده از تصاویر دست‌فرسود، می‌توان مسائل اجتماعی و اندیشهٔ آفرینندگان را دریافت. بلاغت این آثار هرچند در کنار آثار فاخر ادبی وزنی ندارد، از حیث نمایش صادقانهٔ اعتقادات و اندیشه‌های مردمی ارزشمند است. صورت این آثار می‌تواند نمایانگر میزان درک و فهم ادبی مردم عامه در دورهٔ نگارش اثر باشد. از این نکته هم نباید غافل شد که مسائل مربوط به زیبایی آثار ادب عامه باید در سایهٔ شرایط اجتماعی، تاریخی و پیشینهٔ فرهنگی مورد توجّه قرارگیرند تا بتوان از تحلیل آن‌ها به نتایج عمیق‌تری رسید. در این مقاله قصد داریم به شیوهٔ الگوبرداری سرایندهٔ رستم‌نامه از شاهنامه، با تکیه بر محتوا و مشابهت ساختار داستانی رستم‌نامه با داستان رستم و اسفندیار بپردازیم.

بحث

۱) شخصیت رستم در رستم‌نامه و شاهنامه

رستم‌نامه‌ها به‌عنوان متون منظوم ادب حماسی عامه به داستان اسلام آوردن رستم به دست امام علی (ع) می‌پردازند.

> «در عصر صفوی از زمان شاه‌طهماسب اول که فقها خصوصاً عرب‌تباران قدرت گرفتند، هرچه به اواخر صفویه نزدیک‌تر می‌شویم، مخالفت با قصه‌سرایی آشکارتر می‌شود و حتی فتوای حرمت داده‌اند؛ اما قصه‌پردازی در شکل مذهبی یا شبه‌مذهبی ادامه داشت و حتّی در قصه‌هایی که اساساً مذهبی نبود و درون‌مایهٔ تاریخی یا عاشقانه یا ماجرایی و جادویی داشت، نکات یا عبارات مذهبی گنجانیده شد تا جواز یابد» (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۹۰ ب: ۱۰۵).

رستم‌نامه‌ها هم از شمار چنین داستان‌هایی است که با توجّه به شخصیت رستم در شاهنامه مدوّن شده تا این شخصیت و داستانش در میان مردم جواز حضور یابد. به همین دلیل این متون در گام نخست از شاهنامهٔ فردوسی الگو برداشته و با توجّه به اهمیت شخصیت رستم، به زندگانی این پهلوان مهم حماسهٔ ملی ایران پرداخته‌اند. آفرینندگان رستم‌نامه‌ها همگی حول محور یک هستهٔ اصلی و رخداد محوری برای داستان او به آفرینش این آثار پرداخته‌اند. هستهٔ اصلی حضور رستم در حماسهٔ ملی همچنین در میان مردم به‌عنوان شخصیتی کامل و تمام‌عیار است. تنها نکته‌ای که وجود رستم را از دیدگاه مردم - به‌ویژه در دوران صفویه به بعد- دچار نقص می‌کند، اهمیت ندادن او به مسائل دینی است. مردم ایران از زمان رسمیت یافتن تشیّع به مسألهٔ دین‌داری، دین‌مداری و تشیّع به‌عنوان ارزشی مهم نگریسته‌اند؛ ازاین‌روی خواستار تکمیل شخصیت رستم با اسلام آوردن او، آن‌هم به دست امام علی (ع)، بودند. هرچند در چنین آثاری تناقض‌های تاریخی، جغرافیایی و زمانی بسیاری وجود دارد، اما به‌عنوان مهم‌ترین نکته می‌توان به اهمیت دین‌داری و دین‌ورزی در نگاه مردم عامه و مسألهٔ حرمت نقل داستان‌های غیرمذهبی اشاره کرد. پهلوان در حماسهٔ ملی شخصی دین‌مدار نیست؛ یعنی دین‌داری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه شخصیت او مطرح نیست. شاید بتوان علت این امر را شیوهٔ زندگی و کار ویژهٔ پهلوان دانست؛ پهلوانی که همواره زندگانی را به آوارگی می‌گذراند و در پی حفظ منزلت و حیثیت قوم یا ملت خویش است، کمتر زمانی را برای دین‌ورزی و انجام اعمال دینی (آنچنان که زاهدان و عارفان هستند) می‌یابد. عامه بدون توجه به این نکته، درصدد برآمدند تا رستم، این شخصیت آرمانی حماسهٔ ایران، را شخصی مسلمان جلوه دهند؛ مسلمانی که به دست امام محبوب ایشان شیعه می‌شود.

در نگارش این مقاله، ماجرای رویارویی رستم با امام علی (ع) در نسخهٔ یکی از رستم‌نامه‌ها را در نظر گرفته‌ایم که مشابهت‌هایی با داستانی مهم در زندگانیِ رستمِ شاهنامه فردوسی دارد. داستان رستم و اسفندیار داستانی است که

تا حدودی می‌توان آن را تقابل ملیت و دین‌ورزی این دو پهلوان دانست. رستم به‌عنوان پهلوانی ملی و اسفندیار به‌عنوان نماینده‌ای از دین زرتشت و پهلوان خاندان شاهی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. هرچند محوریت داستان رستم و اسفندیار ستایش آزادگی و حفظ ملیت ایرانی است، اما رگه‌هایی از نبرد مذهبی یا داشتن وجههٔ دینی را در سیمای این جنگ می‌توان دید. ساختار داستانی و برخی ویژگی‌های پهلوانان در داستان رستم و اسفندیار با نسخهٔ برگزیده از رستم‌نامه قابل قیاس است. در این ماجرا از دیدگاه موضوع داستان، فرم و بلاغت می‌توان به بررسی این دو داستان پرداخت:

۱-۱) مشابهت‌های ساختار داستانی

این دو داستان از دیدگاه مفهوم و مقابلهٔ رستم با پهلوانی مذهبی مشابهت‌هایی دارند. مشابهت امام علی (ع) به‌عنوان پهلوانی دینی یا دین‌مدار با اسفندیار، در رأس این موارد به‌عنوان مفهوم اصلی داستان قرار دارد. هرچند رویارویی امام علی (ع) با رستم نه‌تنها رویارویی پهلوان مذهبی با پهلوان ملی است، بلکه در انتهای داستان به اسلام آوردن رستم منتهی می‌شود. حال‌آنکه اسفندیار در مقابله با رستم به آیین خود فخر می‌فروشد، اما رستم را به دین خویش نمی‌خواند. در رویارویی رستم با امام علی (ع) و نیز اسفندیار مشابهت‌هایی وجود دارد:

۱-۱-۱) مشابهت قدرتمندی اسفندیار و امام علی (ع)

علی‌رغم آن‌که رستم پهلوانی دلاور و بسیار قدرتمند است و در بسیاری از نبردها هماوردان خود را شکست داده، در مقابل قدرتمندی اسفندیار و امام علی (ع) ناتوان می‌شود.

۱-۱-۲) مشابهت غافل‌گیری رستم از پهلوان مذهبی

رستم در داستان نبرد با اسفندیار پیش از رویارویی غافل‌گیر می‌شود. نخستین غافل‌گیری مواجهه با سنگی است که بهمن به‌سوی او پرتاب می‌کند. غافل‌گیری دوم، که بیشتر از حیث مفهومی موردتوجه ماست، در مواجهه با اسفندیار و در جریان نبرد است. رستم عموماً در مواجهه با هم‌نبردان خود هراس به دل راه نمی‌دهد؛ مگر مواردی معدود مانند رویارویی با سهراب یا دیو سپید که به‌راستی احساس خطر کرده و شکست خویش را پیش‌بینی می‌کند. در رویارویی با اسفندیار در شاهنامه و با امام علی (ع) در رستم نامه، رستم از قدرت جنگاوری این دو هم‌نبرد شگفت‌زده شده شکست خود را پیش‌بینی می‌کند.

۳-۱-۱) مشابهت در زمینه تسلیم رستم در مقابل این پهلوانان

رستم در داستان نبردش با اسفندیار در پی سازش و تسلیم است. او در رستم نامه نیز در جریان درگیری با امام علی (ع) در پی صلح و مدارا است. برای گرفتن این تصمیم، فرشتگان راهنمای رستم هستند.

۴-۱-۱) مشابهت در اذعان رستم به ناتوانی در مقابل این دو پهلوان

رستم پس از مواجهه با این دو پهلوان به ناتوانی خود اقرار می‌کند. در شاهنامه، اقرار به ناتوانی رستم نزد خانواده‌اش است؛ زمانی که رستم در حضور برادر و پدرش زال رخدادهای پس از مرگ خود را پیش‌بینی می‌کند. در رستم‌نامه این پیش‌بینی مرتبط با عجز و ناتوانی او در مقابله با امام علی (ع) است. این مورد شباهتی با رویارویی‌اش با دیو سپید دارد. علی‌رغم توانایی نظامی و دلیری، رستم خود را در برابر این دو پهلوان دینی ناتوان می‌یابد.

۵-۱-۱) مشابهت از حیث حضور پادشاهی در میانهٔ داستان

در داستان رستم و اسفندیار، گشتاسب، به‌عنوان پادشاهی حامیِ پهلوان دینی حضور دارد. در نگاهی دقیق‌تر می‌توان دریافت که حمایت این پدر و پسر حمایتی دوجانبه است و همان‌طور که گشتاسب حامی اسفندیار است، اسفندیار نگاهبان آبرو و عزّت گشتاسب است. در مواجههٔ امام علی (ع) با رستم، حضرت سلیمان (ع) به‌عنوان پادشاهی با حمایتگری دین‌مدار همچون امام علی (ع) حضور دارد. حمایت تام و تمام پهلوانان دینی از پادشاهان هم‌عصرشان، که علاوه بر قدرت کشوری و جایگاه پادشاهی از منصب و منزلت دینی هم برخوردار هستند، یکی دیگر از وجوه اشتراک این داستان‌ها با یکدیگر است.

۲-۱) مشابهت و تفاوت‌های بلاغی

مشابهت‌های این دو داستان در حوزهٔ بلاغی در موارد زیر است:

۱-۲-۱) استفاده از تصاویر و شخصیت‌هایی باارزش‌های دینی

نمونه‌های این موارد را در داستان رستم و امام علی (ع) با حضور فرشتگان، حضرت سلیمان (ع) در جایگاه پادشاهی با مقام مذهبی، امام علی (ع) و افرادی مانند سپاهیان سلیمان (ع) می‌بینیم. در داستان رستم و اسفندیار، حضور موبد، پیشگو و گشتاسب، به‌عنوان پادشاهی با وجههٔ مذهبی، و اسفندیار را می‌بینیم. نمونه‌های تصویرسازی از حضور این افراد را در زیر مرور می‌کنیم:

۲-۲-۱) استفاده از تصاویر دین‌مداران

چنین تصاویری همراه با وجوه معنوی و مشبه‌به‌های مذهبی هستند؛ مواردی مانند آسمان، مقدسات دین زرتشت، اسلام و موارد عام‌تر از دیدگاه مذهبی را می‌توان در رستم‌نامه و داستان رستم و اسفندیار دید.

۳-۲-۱) اغراق در تصاویر

وجود اغراق به سبب تقابل شخصیت ملی با شخصیت مذهبی را به‌وضوح می‌توان دریافت. این تقابل از نوعی تفاوت کارکردی و ماهیتی میان دو پهلوان برخاسته است. اغراق در تصاویر شاهنامه، صورتی معقول و متعادل دارد. این صورت معقول و متعادل زمانی است که طرف قیاس شاهنامه منظومه‌های حماسی دوره‌های بعد با اغراق‌های دور از ذهن و منظومه‌های حماسی عامیانه با اغراق‌های پرشمار باشد. اغراق در تصاویر بیش از آن‌که قابل‌قبول یا منطقی به نظر برسد، برای جلب‌توجه و اعتنای مخاطب به سخن است. در شاهنامه و رستم‌نامه اغراق‌هایی در باب کردار پهلوانان و رخدادها قابل‌ملاحظه است.

۴-۲-۱) استفاده از توصیف چهره‌ها بیش از اوصاف صحنه‌ای

سبک فردوسی و سرایندهٔ رستم‌نامه در این زمینه تفاوت‌هایی با هم دارد. فردوسی بیش از آن‌که به اوصاف صحنه‌ای بپردازد، به وصف شخصیت‌ها و بیان روحیات آن‌ها می‌پردازد و از رهگذر ویژگی‌های افراد، به اوصاف رخدادها و صحنه‌ها می‌رسد؛ به تعبیری اوصاف افراد از حیث ظاهری، روانی و رفتاری بر اوصاف صحنه‌ای و رخدادهای نبرد برتری و تقدّم دارد. سرایندهٔ رستم‌نامه، به‌ویژه زمانی‌که از تقابل رستم با امام علی (ع) سخن می‌گوید، اوصاف چهره‌ها را بیشتر از اوصاف صحنهٔ نبرد موردتوجه قرار می‌دهد. این نکته در داستان رستم و اسفندیار هم قابل‌ملاحظه است.

۳-۱) شباهت‌های شخصیت‌ها

در جدول زیر به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های امام علی (ع) و اسفندیار به‌عنوان دو شخصیت محوری در منظومه‌های رستم‌نامه و داستان رستم و اسفندیار در شاهنامه می‌پردازیم:

جدول شماره «۱»

مضمون مشترک در داستان و شخصیت	بیان شرح و نمونه‌ها
مقولهٔ نمایندگی دینی	امام علی (ع) و اسفندیار، جلوه‌دهندهٔ دین و نماینده‌ای از جانب پادشاه برای حفظ حیثیت دین در کنار مقولات فرعی

مضمون مشترک در داستان و شخصیت	بیان شرح و نمونه‌ها
مصونیت از بلا و قدرت والاتر از رستم	امام علی (ع) و اسفندیار هر دو نسبت به ضربات رستم نوعی مصونیت دارند و قدرتی فراتر و بالاتر از رستم دارند.
هراس رستم از هر دو شخص	در جریان رویارویی، رستم از اسفندیار و امام علی (ع) هراسان می‌شود و به ضعیف‌تر بودنش از این دو هم‌نبرد اشاره می‌کند. همچنین او هراس شکسته و کشته شدن به دست ایشان را دارد.
حضور پادشاه به‌عنوان شخصی تأثیرگذار و فرمان‌دهنده	در جریان تقابل رستم با پهلوانان نوعی تقابل غیرمستقیم رستم با پادشاهان سلیمان (ع) و گشتاسب را ملاحظه می‌کنیم
توجه به توصیهٔ میانجی‌ها	توجه رستم به توصیهٔ فرشتگان در رستم‌نامه و زال و سیمرغ در داستان رستم و اسفندیار
قدرت گرفتن از نژاد و دین	قدرت اسفندیار و برتری‌ای که نسبت به رستم دارد براساس دین‌مداری او و حمایتی است که زرتشت از او داشته و بدان سبب روئین‌تن شده است. علاوه براین، پیوند نژادی و خانوادگی با پادشاه دوران، گشتاسب، حمایتی دوچندان برای او دارد. این نکته در باب رستم‌نامه ذیل موارد اسلامی و دینی قرار می‌گیرد. نژاد برتر در زمینهٔ دین اسلام شاید چندان مطرح نباشد اما در باب برتری شخصیت‌های تشیّع و پس‌از آن مقولهٔ احترام به سادات در این حوزه مطرح است.
حضور وزیر و پیشکار شاه	حضور آصف در کنار سلیمان (ع) و وزیر گشتاسب، که خبر از مرگ اسفندیار به دست رستم می‌دهد، از وجوه دیگر شباهت این دو داستان است. وزیر و پیشکار شاه در هر دو داستان نمایان‌کنندهٔ رخدادهای مهم بعدی‌اند.

۴-۱) تفاوت‌های شخصیت‌ها

تفاوت‌های شخصیتی امام علی (ع) و اسفندیار به سبب تفاوت‌هایی در ساختار این دو داستان است که در جدول زیر بدان می‌پردازیم:

جدول شماره «۲»

امام علی (ع)	اسفندیار
پیروزی نهایی ایشان در این نبرد با توجه به اشاعهٔ دین اسلام و برتری از حیث دلاوری بر رستم	برتری صوری رستم در نبرد با اسفندیار و شکست دادن او
ایشان پیروز نهایی میدان است و رستم نیز در جریان داستان رستگار می‌شود	در نبرد با رستم، شکست و مرگ نصیب اسفندیار و بدنامی نصیب رستم می‌شود
اشاعهٔ دین به‌گونه‌ای که شائبه‌ای در آن نیست	اسفندیار مقابل اشاعهٔ دین است و جاه‌طلبی و داعیه مقام دنیوی دارد
توسل ایشان صرفاً به دلیری در جریان نبرد و دوری از رفتار ناجوانمردانه	درخواست غیرمعقول همراه با حقارت از رستم (درخواستِ رفتن رستم به دربار گشتاسب به‌گونه‌ای که دستانش بسته است)
برخورد جوانمردانه با رستم به‌عنوان هم‌نبرد	رفتار ناجوانمردانهٔ او در رجزخوانی و تحقیر رستم

نتیجه‌گیری

منظومهٔ حماسی عامیانهٔ رستم‌نامه از حیث مضمون، ساخت داستانی و پروراندن شخصیت‌ها با داستان رستم و اسفندیار در شاهنامه مشابهت دارد؛ ازاین‌روی می‌توان برای بررسی دقیق‌تر الگوبرداری فرم رستم‌نامه از شاهنامه بر این داستان تمرکز کرد. شباهت محتوایی این دو داستان در حوزهٔ مشابهت شخصیت‌ها، روند داستان، درون‌مایه و همچنین شیوه‌های آرایش بیان است. سرایندهٔ رستم‌نامه علاوه بر الگوبرداری کلی از شیوهٔ سرایش فردوسی در شاهنامه، به این داستان توجه ویژه داشته، بسیاری از تصویرسازی‌ها، اوصاف شخصیت‌ها و صحنه‌ها را از فردوسی تقلید کرده است. الگوبرداری از فردوسی موجب زیبایی‌آفرینی در این اثر شده است؛ هرچند به سبب عامیانه بودن آن از تأثیر فرهنگ و دستور زبان عامه برکنار نبوده است. نشانه‌هایی از تفاوت پردازش شخصیت در این دو داستان و برتری امام علی (ع) نسبت به اسفندیار مشاهده می‌شود، که به دلیل ارادت شیعیان به امام اول شیعیان است.

منابع

انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. (۱۳۵۴). فردوسی‌نامه: مردم و شاهنامه، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. (۱۳۵۵). فردوسی‌نامه: مردم و فردوسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.

خالقی‌مطلق، جلال. (۱۳۸۶). حماسه، پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی، ترجمه و نگارش جلال خالقی مطلق، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

خالقی‌مطلق، جلال. (۱۳۹۵). یادداشت‌های شاهنامه، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۹۰ الف). «داستانی عامیانه با رنگ مذهبی»، گزارش میراث، خرداد و تیر ۱۳۹۰، ش ۴۵، صص ۱۲-۱۵.

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۹۰ ب). «رستم‌نامه به انضمام معجزنامهٔ مولای متقیان»، آینهٔ پژوهش، مرداد و شهریور ۱۳۹۰، ش ۱۲۹، صص ۱۰۸-۱۰۵.

رستم‌نامه. (۱۳۸۷). داستان منظوم مسلمان شدن رستم به دست امام علی (ع) به انضمام معجزنامهٔ مولای متقیان از سراینده‌ای ناشناس، به کوشش سجاد آیدنلو، تهران: میراث مکتوب.

سرودی، سرور. (۱۳۹۵). «مسلمان شدن رستم در داستان‌های عامیانهٔ ایرانی»، ترجمهٔ سجاد آیدنلو، پاژ، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ش ۲۳ و ۲۴، صص ۳۴-۸.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). شاهنامه، تصحیح جلال خالقی‌مطلق، مجلدات ۸-۱، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.